

تفاهم لازم است

نه تنها همزبانی

«... و روحیه‌اش بر اساس تفاهم و بردباری، دوستی میان ملل، صلح و برادری جهانی بنحوی پرورش یابد که وجدانا نیرو و استعدادش را در خدمت بهمنوعان بکار برد»
«از اصل دهم اعلامیه حقوق کودک»

✿ زندگی اجتماعی، تنها از راه تفاهم، شیرین و لذت بخش است.
✿ چگونه برای پرورش روح تفاهم اقدام کنیم؟

روسو «نتیجه‌ی یک قرارداد اجتماعی. بشر برای تحقق بخشیدن به این خوی اولی یا ثانوی ناچار است از طریق تفاهم، خود را برای آن آماده کند. اگر چه بسیار بعید است که زندگی اجتماعی برای بشر یک امر تحمیلی و قراردادی باشد، این گونه امور دوام ندارند و قابل تغییر و تحولند، حال آن که می‌بینیم در زندگی انسان هر چه تحول پذیرفته، این یکی ثابت مانده، بلکه همواره پیچیده تر و مستحکم-

آنچه در این سلسله بحثها دنبال می‌کنیم، گاه تکلیف کودک است و گاه حق او. صحیح‌ترین روش همین است که خانواده و جامعه کودکان را از دو نظر مورد توجه قرار دهند: یکی از نظر حقوقی که دارند و دیگر از لحاظ تکالیفی که باید انجام دهند.
تفاهم داشتن با دیگران در زندگی اجتماعی، وظیفه‌ی هر انسانی است. خواه زندگی اجتماعی را برای بشر طبیعی بدانیم و خواه بقول «ذان ذاك-

تر می‌شود. هرچه که ریشه‌اش دسرشت انسان و ذاتی و طبیعی باشد، چنین است. دین هم درزندگی انسان به‌سرشت و طبیعت او پیوند خورده است. به‌رحال، زندگی اجتماعی تفاهم لازم دارد. ممکن است انسان‌هایی باشند که طبعاً روح تفاهم داشته باشند ولی خبلی‌ها هم ندارند و اگر دارند، نمی‌دانند چگونه مورد استفاده قرار دهند. پس داشتن تفاهم معقول، احتیاج به تمرین و ممارست و راهنمایی دارد تا فرد بتواند روابط صحیح و پسندیده‌ای با دیگران داشته باشد.

ششمین پیشوای مسد در زمینه راه بردن زندگی خانوادگی که همان زندگی اجتماعی در دایره‌ای محدودتر است نکته‌۱، بیان میکند که موبد گفتار ماست او میفرماید: «انسان در زندگی خانوادگی و در میان عاقله خود به‌سه‌خوی نیاز دارد که اگر طبیعی او نباشد ناچار است با مشقت آنها را تحصیل کند: معاشرت نیکو، توسعه‌ی با حساب در زندگی، و غیر تمندی برای حفظ همسر از هرگونه آلودگی و انحراف. (۱)

همه این سه‌خوی زمینه‌ها را برای داشتن تفاهم صحیح در زندگی اجتماعی خانوادگی فراهم می‌سازند و انسان را از داشتن آنها گزیری نیست. در اجتماع بزرگ شهری و کشوری و جهانی نیز تفاهم لازم است. مقصود از تفاهم میان افراد، این است که مقاصد و خواسته‌ها و تمایلات و عواطف یکدیگر را بخوبی

درک کنند.

بنظر می‌رسد که افرادی که زبان یکدیگر را می‌فهمند و به اصطلاح هم‌زبانند، تفاهم دارند، ولی واقع این است که هر هم‌زبانی تفاهم ندارد. برای این که تفاهم کامل به‌وجود آید به‌همدلی نیاز داریم، این است شرط اساسی پیداشدن تفاهم میان افراد.

ای بسا هند و و ترک هم‌زبان

ای بسا دو ترک چون بیگانگان

پس زبان بی‌زبانی خوشتر است

«همدلی!» از «هم‌زبانی» بهتر است

وقتی میان افراد تفاهم نباشد، کینه‌ها و عداوت‌های بی‌اساس تشدید و دامن اختلافات گسترده می‌شود، بسا جنگ‌ها و زدوخورده‌های خانمان برانداز آزاره همین عدم تفاهم، بوجود آمده و خسارت‌های سنگین مالی و جانی بطرفین وارد آورده است.

هر انسانی خود را بطور کامل - و احیاناً ناقص - درک میکند و می‌فهمد. خواسته‌های خود را کم و بیش می‌شناسد. بهترین و عالی‌ترین موقعیت‌ها را برای خود جستجو میکند. آسایش و لذت و مال و قدرت و نفوذ را برای خود میخواهد و دوست دارد که هیچ مانعی بر سر راهش سبز نشود و او را از رسیدن به خواسته‌هایش باز ندارد.

همین انسان را باید بطوری بی‌روانیم که حاضر باشد دیگران را هم در همین حدود بفهمد و درک کند و اینطور حساب کند که همه چیزهایی که خودش میخواهد دیگران هم می‌خواهند. سایرین هم افکار

۱- ان المرء یحتاج فی منزله و عیاله الی ثلث خصال یتکلفها و ان لم یکن فی طبعه ذلک: معاشره جمیلة

و سعة بتقدیر و غیره (سفینة البحار ماده غیر)

و تمایلاتی دارند که برای خودشان عزیز و محترم است و میل دارند هیچ مانعی بر سر راهشان نباشد و هر چه خواستند، بدون هیچ وقفه بدان دست یابند. متقابلاً سایرین هم باید در قبال یکدیگر همین وضع را داشته، مقاصد و تمایلات و افکار و عقاید یکدیگر را بفهمند و احترام گذارند.

این برنامه باید ازدوران کودکی انسان پیاده شود. به طفل باید فهماند همانطوری که اومی خواهد کسی اسباب بازی را دست نزنند و به شخصیتش اهانت نکند و حقوق او را زیر پا نگذارد، بچه های دیگر هم همین تمایلات را دارند آنها نیز برای خود شخصیت و حقوقی دارند که باید محترم باشد و به هیچ عنوان مورد اهانت و تحقیر قرار نگیرد.

این دیگر وظیفه پدران و مادران است که از همان دوران کودکی، میان برادرها و خواهرها چنین تفاهم عادلانه ای برقرار کنند تا هر کس بتواند عقائد و تمایلات و افکار خود را ظاهر سازد و دیگران هم بتوانند اشکالات و اشتباهات او را تذکر دهند تا آنچه که از روی غفلت یا ناشی از خودپرستی است اصلاح و تعدیل شود. اولیای آموزشگاه ها نیز همین وظیفه را دارند تا زمینه برای پیدایش یک زندگی اجتماعی بر مبنای تفاهم پدید آید و همه بتوانند در آن زندگی با امنیت خاطر و آرامش و آسایش زیست کنند.

اگر این کار را نکنیم، قضیه آن برادر بزرگتر تکرار می شود که به برادر کوچکتر خود پس از مرگ پدر چنین گفت: آن گر به ملوس و همدم با با از آن تو آن

فاطر جموش لگدزن از آن من این خانه تا سردیوارها و پشت بام از آن من و از پشت بام تا به ثریا از آن تو! بسیاری از مصیبتها از همین جا پیدا می شود. اشخاصی هستند که حاضر نیستند کمترین احترامی به شخصیت و حقوق و عقاید و افکار دیگران بگذارند. همین ها هستند که اگر قدرت پیدا کنند یک دیکتاتور مخوف خواهند شد و اگر قدرت پیدا نکنند، با هزاران دوز و کلک و نیرنگ و شیطنت و در صورت اقتضا همچون گرگانی در لباس چوپان، بجان خلق الله می افتند و آنی جامعه از دست آنها در امان و راحت نیست.

بی جهت نیست که دین با این گونه تکر و هاوی-تفاهم ها به مبارزه برخاسته پایه و اساس تعلیمات اخلاقی و اجتماعی خود را ایجاد روح تفاهم قرار داده است به مردم می گوید: همه شما را از یک زن و یک مرد آفریده و شعبه شعبه و قبیله قرار داده ایم تا با یکدیگر تعارف و تفاهم داشته باشید و عزت و شرافت و شخصیت هر کسی در پیشگاه خداوند بستگی به تقوی و خودداری از تجاوز و تعدی به شخصیت و حقوق افراد و اجتناب از زشتی ها دارد (۱)

هدف از این بیان پر مغز این است که هر کسی فکر کند که در این جهان تنها خودش زنده نیست دیگران هم زنده اند و حق نفس کشیدن و فکر کردن و اظهار نظر دارند. عزت و شرافت و شخصیت به پول و زور و عنوان و ... نیست، تنها به تقوی و وظیفه شناسی بستگی دارد. در ذریه لوای تقوی است که این تفاهم، تقویت می شود و هر کسی در مقام و موقعیت

۱- یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انشی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم

(حجرات ۱۳)

خویشان را رضی گردی باعث شود که از دیگران رضی گردی و آنچه نمی دانی نگو اگر چه دانش تو اندک باشد و آنچه دوست نداری بگو گفته شود به دیگران مگو. (۱)

دکتر آلکسیس کارل می نویسد: «کینه ورزی به هم نوع گناه است. زیرا کینه در عین حال جسم و جان را میگذارد اما تقوی چنانکه سقراط تعلیم می داد، تنها شامل شناسائی خوی نیست. بلکه يك عمل ارادی و عادی است که به کمیت و شدت و کیفیت زندگی می افزاید و شخصیت را می سازد و آن را پرمایه می کند. امید و ایمان و شور و شوق و اراده قوی روی جسم مانند بخار روی توربین اثر دارد. فعالیت های بدنی و روانی بوسیله عشق تکامل می پذیرد این فضائل شخصیت را عالی تر و نیرومندتر می کند. به عکس، عیوب، شخصیت را کوچک و متشتت می سازد... خود پسندی و غرور و حسد سبب پراکندگی مردم می گردد و تعالی روانی را مانع می شود... فضائل اجتماعی موجب اتحاد و صلح است، ادب، نظافت، مذهب و ایده آل مشترك، اجتماع را هماهنگ و مرتبط می سازد. برعکس معايب ضد اجتماعی مانند بی ادبی، تشنت، افتراء، غیبت و ایجاد نفاق در بین افراد يك خانواده و يك شهر و يك گروه اجتماعی سبب ناتوانی و اضمحلال ملت می شود (۲)

حقیقی خود - نه مجازی و قلابی! - فراد می گیرد. علی (ع) نامه ای مفصل بفرزند گرامیش امام مجتبی می نویسد و در آن نامه راه و رسم صحیح زندگی اخلاقی و اجتماعی را به وی می آموزد قسمتی از این نامه به مساله تفاهم - که مورد بحث ماست و در اعلامیه حقوق کودک توصیه شده است - نظر دارد.

این قسمت را حضرت با کلمه «پسر کم» که نمایشگر محبت قلبی و عمیق پدر نسبت به پسر است آغاز میکند و از آنجا که مقام ولایت علوی نسبت به همه انسانها سمت پدری دارد و همگان فرزندان روحانی و معنوی او شمرده می شوند در حقیقت روی سخن او به همه انسانهاست. می فرماید:

پسر کم! خویشان را میان خود و دیگران میزان قرار ده آنچه برای خود می پسندی برای دیگران هم پسند و آنچه برای خود ناروا می شماری برای دیگران نیز ناروا بشمار. همان نظوری که نمی خواهی در حق تو ستم شود بدیگران ستم روا مدار و همان نظوری که می خواهی درباره تو نیکی شود، درباره دیگران نیکن کن. آنچه برای دیگران زشت می شماری برای خود نیز زشت بشمار و آنچه باعث می شود که از

۱- یا بنی اجعل نفسك میزانا بینك و بین غیرك فاحب لغیرك ما تحب لنفسك و اكره له ما تكره لها و لا تنظلم كما لا تحب ان تنظلم و احسن كما تحب ان يحسن اليك و استفتح من نفسك ما تستفتح به من غیرك و ارض من الناس بما ترضاه لهم من نفسك و لا تغفل ما لا تعلم و ان قل ما تعلم و لا تغفل ما لا تعلم ان يقال لك (نهج البلاغه دكتور صبحی صالح ص ۳۹۷)

۲- راه و رسم زندگی ترجمه دکتر پرویز دبیری اصفهان تا بید ۱۳۲۵ ص ۷۲-۷۱